

رویکرد مستشارالدوله به نظام مشروطه غرب*

عطاالله حسینی^۱
غلامعلی پاشازاده^۲

چکیده

علل تحول فکری میرزا یوسف خان مستشارالدوله، ماهیت قوانین مورد نظر او و مبانی نظری آن‌ها در رویکرد به نظام مشروطه غربی، مسأله‌ی مشکله تحقیق حاضر است که با روش تاریخی و با استفاده از منابع اصلی به تحلیل آن پرداخته می‌شود. مستشارالدوله از اندیشه‌گران ایران عصر ناصری بود که به دنبال آشنایی با نظام‌های مشروطه غربی، راز پیشرفت و ترقی دولت‌های فرنگی را در قانون و قانونمندی و علت عقب‌ماندگی ایران را در نبود آن می‌فهمید و تغییر نظام سیاسی در ایران را ضروری می‌دانست. شکل حکومتی پیشنهادی او برای ایران آن زمان، سلطنت مقننه بود که قوانین آن از اعلامیه حقوق بشر مندرج در مقدمه قانون اساسی فرانسه اخذ می‌شد و در چارچوب اصول شریعت اسلام قرار می‌گرفت. واژگان کلیدی: قانون، نظام مشروطه، شریعت اسلام، سلطنت مقننه، مستشارالدوله.

Mostashar al-Dowleh's Attitude Towards the Western Constitutional System

Ataollah Hassani³
Gholamali Pashazadeh⁴

Abstract

The causes of Yousuf Khan Mostashar al-Dowleh's intellectual transformation, the nature of the laws he had in mind, the intellectual bases of these laws and his attitude towards the Western constitutional systems are the problem issues connected with the present research, which have been analyzed through the historical method by focusing on the primary sources. Mostashar al-Dowleh was an Iranian intellectual during Nasser al-Din Shah's era whose familiarity with the Western constitutional systems led him to find out that the secret behind the progress of European governments was because of their laws and legal systems, and the reason behind Iran's backwardness was the lack of these factors. He considered transforming the political system of Iran as necessary. The form of government he suggested for Iran of that era was a constitutional monarchy whose laws were taken from the Declaration of Human Rights mentioned in the preamble to the French Constitution and was within the framework of Islamic sharia.

Key words: law, constitutional system, Islamic sharia, constitutional monarchy, Mostashar al-Dowleh.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی. * تاریخ دریافت: ۱۳۸۹ / ۶ / ۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹ / ۱۲ / ۷

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز.

۳. Associate Professor, Department of History, Shahid Beheshti University (Shahid Beheshti University, G.C.,) E-mail: a-hassani@sbu.ac.ir

۴. Assistant Professor, Department of History Tabriz University

مقدمه

میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله از اندیشه‌گران ایران در قرن نوزدهم بود. او به عنوان مأمور وزارت امور خارجه، سال‌ها در روسیه و فرانسه خدمت کرد، از نزدیک با پیشرفت‌های دولت‌های اروپایی آشنا شد و با تأمل در مورد پیشرفت‌های آنها در نهایت به این نتیجه رسید که باید سیستم سیاسی ایران از سلطنت مطلقه به مقننه تبدیل شود. او در تدوین قوانین برای سلطنت مقننه مورد نظر خود اعلامیه حقوق بشر در مقدمه قانون اساسی فرانسه در سال ۱۸۵۲ میلادی را الگو قرارداد و اصول آن را در چهارچوب شریعت اسلامی اقتباس کرد. روشن شدن چگونگی تحول ذهنی مستشارالدوله، ماهیت قوانین مورد نظر او، مبانی نظری و ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی سلطنت مقننه، مسأله‌ای مهم در شناخت اندیشه وی است که در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود. برای رسیدن به این موضوع کوشش بر آن است تا رویکرد وی نسبت به مشروطه در غرب و قوانین مربوط به آن مورد بررسی قرار گیرد.

روند تاریخی تحول فکری مستشارالدوله

میرزا یوسف‌خان،^۵ در طی اولین مأموریت‌های خود در روسیه و در شهرهای حاجی ترخان، پطرزبورغ

^۵ میرزا یوسف‌خان فرزند حاجی کاظم آقا تاجر تبریزی به رسم معمول زمان، ادبیات عرب و مقدمات علوم شرعی را آموخت. او به استخدام کنسولگری انگلیس درآمد و از سال ۱۲۷۰ قمری در وزارت امور خارجه و در سمت‌هایی همچون کارپردازی حاجی ترخان، وزیر مختاری پطرزبورگ و کنسولی تغلیس مشغول خدمت شد و نشان درجه دوم سرتیپی و حمایل مخصوص آن را دریافت کرد. در سال ۱۲۸۳ قمری به مقام شارژ دافری ایران در پاریس منصوب شد و مدت سه سال در این مقام باقی ماند و در این مدت به عضویت لژ فراماسونری (Lodge Le Clement Amitie) درآمد. در زمان وزارت عدلیه میرزا حسین‌خان مشیرالدوله (سپهسالار)، میرزا یوسف‌خان مستشار وزارت عدلیه شد و ضمن مشارکت در نوشتن قانون وزارت عدلیه و عدالت‌خانه‌های ایران، نخستین طرح پیش‌نویس قانون اساسی را تهیه کرد و به دریافت نشان سرتیپی اول خارج از قشون و حمایل و نشان شیر خورشید نایل آمد. در سال ۱۲۸۹ قمری مجدداً به وزارت امور خارجه بازگشت و در مقام‌هایی همچون نیابت وزارت امور خارجه در امور آذربایجان، نماینده ایران در امتیاز راه آهن جلفا به تبریز معروف به امتیاز ژنرال فالکن هاگن، کارگزار آذربایجان و مأموریت امور خارجه خراسان خدمت کرد. در سال ۱۲۹۹ قمری یک بار دیگر به وزارت عدلیه برگشت و ملقب به مستشارالدوله شد. مدت دو سال با مقام ژنرال کنسولی ایران به بمبئی رفت و در سال ۱۳۰۳ قمری به وطن بازگشت. در سال ۱۳۰۶ قمری به عضویت دارالشورای کبرای دولتی درآمد و سال بعد دوباره کارگزار مهم خارجه آذربایجان شد تا این که به اتهام همدستی با میرزا ملکم‌خان در توزیع روزنامه قانون دستگیر و از ذی‌الحجه ۱۳۰۸ تا رمضان ۱۳۰۹ در قزوین زندانی شد. بعد از رهایی از زندان به خاطر مصادره سیصد هزار تومان دارایی وی، بقیه عمر خود را در تنگدستی و بیماری سپری کرد و در سال ۱۳۱۳ قمری درگذشت. رساله‌یک کلمه، رساله در وجوب اصلاح خط اسلام، رمز یوسفی، رمز جدید یوسفی، گنجینه دانش برای تعلیم اطفال نوآموز، علم طبقات الارض، و منهج الاحساب از آثار مستشارالدوله است.

برای زندگی‌نامه و آثار مستشارالدوله از منابع زیر استفاده شده‌است: میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، یک کلمه، به کوشش صادق سجادی (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۴)؛ اسماعیل راثین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)؛ فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱)؛ میرزا محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول (تهران: آگاه، ۱۳۶۲)؛ محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری،

و تفلیس با نظام سیاسی مغرب‌زمین آشنا شد و در گزارش‌های رسمی خود به وزارت امور خارجه از مواردی همچون پارلمان و آزادی بیان صحبت کرد. در سال ۱۲۷۹ قمری، در گزارش به وزارت امور خارجه از روسیه چنین یاد کرد: «این مملکت جایی است که عیوب وزرا و سلاطین خودشان را در کمال وضوح می‌نویسند و کسی حق مؤاخذه ندارد.»^۶ وی در گزارش دیگری به هنگام درگذشت پالمستون،^۷ درباره نظام پارلمانی می‌نویسد: «از قوت لارد پالمستون ملت انگلیس نباید ملول و محزون باشند چون که هزار پالمستون^۸ دارند. اگر چه گوی عقل و تدبیر را از میدان برداشته بود، بلاشک در انگلیس نظیر او پیدا خواهد شد. خداوند به آنها ترحم فرماید که نه پالمستون دارند و نه پارلامنت.»^۹

او پس از مشاهده «انتظام و اقتدار لشکر و آسایش و آبادی کشور»^{۱۰} روسیه، شیفته سیاحت فرنگستان شد. با انتصاب به شارژداری ایران در پاریس و مسافرت به انگلستان، او همچنان که انتظار داشت «انتظام لشکر و آبادی کشور و ثروت اهالی و کثرت هنر و معارف و آسایش و آزادی عامه را «صد آن قدر»^{۱۱} یافت که پیش از آن در مملکت روسیه دیده بود. به همین خاطر فرانسه را «ولایت آزادی»^{۱۲} نامید و به تفکر در علت پیشرفت علوم و فنون، راه‌سازی، شهرسازی

تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳ (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)؛ محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه)، سفرنامه صنیع‌الدوله، به کوشش محمد گلبن (تهران: سحر، ۱۳۵۶)؛ حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹)؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰)؛ وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، (تهران: نوین، ۱۳۶۲)؛ میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، رساله در وجوب اصلاح خط اسلام (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۰۳ ق) چاپ سنگی؛ میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، رمز یوسفی، (تبریز: بی‌نا، ۱۲۸۲ ق) چاپ سنگی؛ میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، رمز جدید یوسفی (تبریز: بی‌نا، ۱۲۹۲ ق) چاپ سنگی؛ میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، گنجینه دانش برای تعلیم اطفال نوآموز (بمبئی: بی‌نا، ۱۳۰۲ ق) چاپ سنگی؛ میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، علم طبقات الارض (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۰۰ ق) چاپ سنگی.

^۶ میرزا یوسف‌خان به وزارت امور خارجه، ۱۶ جمادی الاخر ۱۲۷۹، اسناد وزارت امور خارجه، به نقل از: فرشته نورانی، تحقیق در افکار میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله (تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲) ص ۱۸.

^۷ Palmerston، وزیر امور خارجه وقت انگلیس

^۸ در متن سند پالمستون آمده است.

^۹ میرزا یوسف‌خان به وزارت امور خارجه، ۱۶ رجب ۱۲۸۲، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۲-۲۷-۱۱-۲ و ۱۲۸۱ ق. عدد ۲ در این شماره سند، نشانگر سال سند، عدد ۱۱ شماره کارت، عدد ۲۷ شماره پوشه و عدد ۲ شماره سند است. در بقیه اسناد هم همین ترتیب صادق است.

^{۱۰} مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۸.

^{۱۱} همان، ص ۸.

^{۱۲} نظر آقا به سفارت استانبول، ۲۰ محرم ۱۲۸۷، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۲۵-۱۳-۱۳-۱۳-۱۲۸۶ ق.

و سیستم حکومتی مغرب‌زمین پرداخت. به گفتهٔ خودش، به دنبال پاسخ سوال خود در مورد «بنیان و اصول نظم فرنگستان» به سراغ دوست مورخ و حدیث‌دان^{۱۳} خود رفت و از زبان آن دوست شنید که پاسخ‌های اهل مملکت به این سوال به دور از «اصول مطلب» است، چرا که، «نظم و ترقی فرنگستان» را ناشی از «فروعات غیر» و یا از علوم و صنایع مانند «تلغراف و کشتی‌ها و اراده‌های بخار و آلات حربیه» دانسته‌اند و در واقع، به جای این که «مقدمات را در نظر داشته باشند به نتایج» پرداخته‌اند. به خاطر همین غفلت از مقدمات «کودهای»^{۱۴} کارگذاران دول اسلام بی‌ثمر و نوشته‌های مؤلفین این مطلب متروک و بی‌اثر مانده است.

مقدمات مزبور یا راز آن همه پیشرفت و ترقی را به نقل از دوست مزبور در یک کلمه خلاصه می‌کند و آن عبارت است از کتاب قانون که «جمیع شرایط و انتظامات معمول بها که به امور دنیویه تعلق دارد، در آن مسطور است، و دولت و امت^{۱۵} معاً کفیل بقای آن است. چنان که هیچ فردی از سکنهٔ فرانسه یا انگلیس یا نمسه یا پروس مطلق‌التصرف نیست» و «شاه و گدا و رعیت و لشگری» مقید به آن هستند و کسی را یاری مخالفت با آن نیست.^{۱۶}

مستشارالدوله، با توجه به همین علت‌یابی از ترقی و پیشرفت مغرب‌زمین، وضع قانون، را «نخستین کاری» می‌داند «که از جمیع کارها برای ترقی ملت و شکوه دولت ایران لازم‌تر است.»^{۱۷} قانون را «مریی انسان» و «مروج هر گونه حرفت و صنعت و تجارت» و «باعث عمران مملکت» و «موجب مزید قدرت و قوت دولت» و «اسباب بقای سلطنت» و «ایجادکننده و ظهورآورندهٔ هر قسم خوبی‌ها» معرفی می‌کند و معتقد است که «هر حکمی که از روی قانون جاری شد پسندیدهٔ خدا و محبوب کل عالم است و لو نسبت به جان و مال صد نفر مضر باشد. هر حکمی که از روی هوای نفس و اغراض شخصی صادر گردید منفور خداوند و موجب لعنت و تشنیع کل عالم است» و مثل ترکی «شرع کسن بارماق آغریماز»^{۱۸} و مثل «ظلم بالسویه عدل است» به خوبی بیانگر این معانی هستند.^{۱۹}

^{۱۳} . میرزا یوسف دربارهٔ این دوست خود توضیح نمی‌دهد.

^{۱۴} . Code واژه فرانسوی به معنای قانون.

^{۱۵} . مستشارالدوله در ادامه همان طور که خواهیم دید این واژه را با ملت به یک معنی به کار برده و تفاوتی میان آنها قائل نشده‌است.

^{۱۶} . مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۱۲-۹.

^{۱۷} . روزنامهٔ اختر، سال ۵، شماره ۴۰ (۱۴ شوال ۱۲۹۶)، ص ۳۱۲.

^{۱۸} . انگشتی که به حکم شرع قطع شود درد نمی‌کند.

^{۱۹} . میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۹ رجب ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۴۴-۴-۱۳-۱۲۸۶ق.

با توجه به محاسنی که مستشارالدوله برای قانون قائل است، آن را به عنوان تنها راه حل مشکلات جامعه ایران معرفی می‌کند و برای ایجاد قانون در جامعه این گونه اصرار می‌کند: به حق آفریننده زمین و آسمان و به حق حقیقت مطلق، اگر عدل نوشیروانی و عقل بوزجمهری^{۲۰} و مترنیخی ولارد پالمستونی و کورچاکوفی^{۲۱} و غیره در ایران جمع بشود، بدون وضع قانون و بدون رعایت آن و احترام حفظ شرایط آن هیچ قراری پایدار و ثابت نخواهد شد. مدتی است عقل ناقص و خیال ضعیف خود را در این مسأله سیر می‌دهم و می‌بینم غیر این طور محال است که در یک دولت اقتدار و ثروت و آبادی حاصل بشود.^{۲۲}

مبانی نظری حکومت و ضرورت تدوین قوانین

میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، هیچ فردی «از آفریدگان، از شاه و گدا و رعیت و لشگری» را دارای حق حکم نمی‌داند. از نظر او، حاکم و «مبدأ حکم» از نظر شریعت اسلام و علمای اروپا «حضرت یزدان» است و اطلاق عنوان حاکم برای افراد نه امری حقیقی بلکه مجازی می‌باشد. در نظام فکری او، قوانین لازم برای سعادت بشر توسط خداوند وضع و از طریق پیامبر به انسان‌ها اعلام می‌شود.^{۲۳} قوانین مورد نظر مستشارالدوله همان فقه اسلامی بود که تا زمان خود او بدون این که به صورت سندی مشخص مدون شده باشد با تفاسیر گوناگون در مورد امور اخروی و دنیوی به کار گرفته می‌شد. اما میرزا یوسف‌خان که در اثر تحقیقات و تجربیات خود در غرب به ضرورت تدوین قوانین در جامعه پی برده بود، می‌خواست برای «سیاست و معاش» قوانین جداگانه از «عبادات و معاد» تدوین گردد. او این مسأله را با توجه به وظایف و اختیارات امام در تداوم حاکمیت خداوند در سیستم سیاسی اسلامی^{۲۴} و به حکم حدیث «شما به کار دنیایتان آگاه‌ترید» به حال شریعت مضر تشخیص نمی‌داد. مستشارالدوله، هر چند از وظایف و اختیارات امام در جامعه شیعه بعد از ائمه معصوم صحبت نمی‌کند، اما طرح وی از وحدت امامت در ادامه حاکمیت خداوند و اعتقاد او به جداسازی امور

^{۲۰} در متن سند بوزجمهر آمده است.

^{۲۱} صدر اعظم وقت روسیه.

^{۲۲} میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، سلخ رجب ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۵۲-۴-۱۳-۱۲۸۶ ق.

^{۲۳} مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۵۲.

^{۲۴} در مورد این مسأله در صفحات آینده صحبت خواهد شد.

دنیوی از امور اخروی، نشان از باور او به اختیار امام برای تدوین قوانین جهت امور دنیوی است. او در تدوین قوانین برای امور دنیوی و یا به تعبیر خودش برای سیاست و معاش «اعلامیه حقوق بشر در مقدمه قانون اساسی فرانسه» را الگویی مناسب^{۲۵} می‌بیند و به همین خاطر قانون یا «کود» را در نزد اهالی فرانسه به منزله کتاب شرعی مسلمانان معرفی می‌کند و ضمن مقایسه آن با کتاب‌های فقه اسلامی تفاوت‌هایی را به شرح زیر بیان می‌کند:^{۲۶}

۱. «کود به قبول دولت و ملت نوشته شده نه به رأی واحد.»
۲. کود فرانسه برخلاف کتاب‌های فقهی اسلامی جامع همه قوانین است «و از اقوال غیر معموله و آرای ضعیفه و مختلف فیمها، عاری و منقح است.»
۳. کود به زبان عامه نوشته شده و همه می‌توانند به آسانی معانی و مقاصدش را بفهمند و احتیاجی به شرح و حاشیه ندارد، ولی معلق‌نویسی در کتب فقهی آنها را محتاج به حاشیه‌نویسی نموده‌است. بنابراین، به حکم مفهوم «البلاغ‌المبین»^{۲۷} در قرآن مجید، بهتر است کتاب قانون، بدون ابهام، «به زبان معمول این زمان» نوشته شود «که هر کس از خواندن آن بهره‌مند شده تکلیف خود را بدانند.»
۴. کود برخلاف کتاب شرعی مسلمانان فقط به مصالح دنیوی می‌پردازد و مناسب حال همه اقلیت‌های دینی می‌باشد. به اعتقاد مستشارالدوله هر گاه علمای مسلمان همانند کود فرانسه برای عبادات و معاد کتابی جداگانه از سیاست و معاش بنویسند به حکم حدیث «انتم اعلم بامر دنیاکم»^{۲۸} ضرری به شریعت نخواهد رسید. مستشارالدوله در پیش‌نویس نخستین طرح قانون اساسی در این مورد می‌نویسد: «کارهایی که به امور معاش و زندگانی تعلق دارند، باید از کارهایی که به امور معاد و آخرت متعلق است، انفکاک یافته، برای امور دنیوی به زبان فارسی فقره به فقره، قانون‌ها نوشته شده و عدد گذاشته بشود و مال هر اداره از قبیل عدلیه و نظام و مالیه و خارجه و داخله و علوم و تجارت و پسته و تلگراف و معادن و جنگل‌ها و غیره و غیره

^{۲۵}. مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۱۹. مقایسه شود با: سیدجواد طباطبایی، تأملی درباره ایران، جلد دوم، نظریه حکومت قانون در ایران (تبریز: ستوده، ۱۳۸۶) ص ۲۱۹.

^{۲۶}. مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۱۷-۱۲.

^{۲۷}. به معنای رساندن احکام و اوامر و نواهی خداوند به طور آشکار است که در آیه ۹۲ سوره مائده و آیات ۳۵ و ۸۲ سوره النحل و سوره‌های دیگر قرآن کریم آمده‌است.

^{۲۸}. برای آگاهی درباره این حدیث نبوی. نک: مسلم ابن الحجاج النیشابوری، صحیح مسلم، شرح النوری (بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق)، ص ۱۱۸-۱۱۷.

برای آن اداره دستورالعمل خواهد شد.^{۲۹}

۵. کود قوانین عرفی و عادی را نیز شامل می‌شود، در صورتی که بسیاری از مسائل عرفی مسلمین مکتوب نیست «و مادام که قوانین عرفیه در کتاب محدود نیست، وقوع مظالم بی‌شمار به اسم عرف و عادت آسان است.» مستشارالدوله به‌رغم تفاوت‌هایی که به قوانین یا کودهای فرانسوی در مقایسه با کتاب‌های فقهی اسلامی قائل بود آن قوانین را با شریعت اسلام موافق می‌بیند و از قول دوست مورخ و حدیث‌دان خود می‌آورد:

حال اگر به مشتملات کودهای فرانسه و سایر دول متمدنه عطف نظر کنید، خواهید دید که تداول افکار امم و تجارب اقوام عالم چگونه مصدق شریعت اسلام اتفاق افتاده، و خواهید فهمید که آنچه قانون خوب در فرنگستان هست و ملل آنجا به واسطه عمل کردن به آنها، خود را به اعلا درجه ترقی رسانیده‌اند، پیغمبر شما هزار و دویست و هشتاد سال قبل از این برای ملت اسلام معین و برقرار فرموده [است].^{۳۰}

مستشارالدوله با تحقیق در اصول قوانین فرانسه و «تدقیق و تعمق» در مفاهیمشان، «آنها را به مصداق 'لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین'^{۳۱} با قرآن مجید مطابق» می‌باید^{۳۲} و متوجه می‌شود که «هر چند فصول قانون اساسی فرانسه حقوق عامه فرانسه نام دارد، ولی در معنی، حقوق عامه مسلمانان بر کل جماعت متمدنه است.»^{۳۳}

او با این بیان، الگو قرار گرفتن حقوق بشر را توجیه می‌کند، اما به هیچ وجه به نگاه بر شریعت از چارچوب آن قوانین و یافتن آیات و روایات برای اسلامی جلوه دادن آنها نمی‌پردازد. در واقع، برخلاف این تصور، نگاه او به قوانین فرانسه در چارچوب شریعت اسلامی صورت می‌گیرد. به عبارتی دیگر، مستشارالدوله با الگو قراردادن قانون اساسی فرانسه، سعی ندارد آنها را به هر نحو ممکن با شریعت اسلامی مطابقت دهد. بلکه او اصولی از قانون اساسی را که قابل تطبیق با شریعت

^{۲۹} این سند جزو اسناد خانوادگی مستشارالدوله بوده که به‌وسیله یوسف مشار در اختیار آدمیت قرار داده شده‌است. متن این سند را علی‌اصغر حقدار با همکاری آدمیت، تصحیح و انتشار داده است. برای آگاهی بیشتر، نک:

<http://flh.tmu.ac.ir/hoseini/mashrot/515.htm> Accessed: 25/4/2010

این سند پیش از آن توسط آدمیت مورد استفاده قرار گرفته بود. نک: آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، ص ۲۰۰-۱۹۶.

^{۳۰} مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۱۸.

^{۳۱} سورة الانعام، آیه ۵۹.

^{۳۲} مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۱۸.

^{۳۳} همان، ص ۵۳.

نمی‌بیند، تعدیل می‌نماید و یا کلاً از آن صرف نظر می‌کند. هدف او تدوین حقوق عرفی مناسب برای زمان خود بود و برای این کار اعلامیه حقوق بشر را در چارچوب شریعت ارائه کرد. وی از قول دوست مزبور چنین می‌گوید:

معهدا، من نگفتم کود فرانسه یا سایر دول [را] برای خودتان استنساخ کرده معمول بدارید. مراد من کتابی است که جامع قوانین لازمه و سهل‌العبار و سریع‌الفهم و مقبول ملت باشد. تدوین چنین کتابی با شروطی که در شرح تفاوت‌های پنجگانه بیان کردم ممکن است. خصوصاً در دیوانی که اجزای آن از رجال دانش و معرفت، و ارباب حکمت و سیاست باشند. همه کتب معتبره اسلام را حاضر و جمله کدهای دول متمدنه را جمع کنند، در مدت قلیل کتابی جامع نویسند. چون کتابی چنین مقبول عقلایی ملت نوشته شود و به دستخط همایون شاهنشاه برسد، و حفظ آن به عهده مجلس مخصوص مستقل سپرده شود، لامحاله وظیفه دولت و ملت بر قانون می‌باشد. یک کلمه که من گفتم این است...^{۳۴}

مستشارالدوله از تفاوت اعلامیه حقوق بشر با مبانی حکومت در اسلام آگاه بود و به همین علت، برای انطباق اصول قانون اساسی فرانسه با شریعت اسلامی مجبور می‌شود از اصل اساسی آن یعنی تشکیل حکومت براساس اراده اجتماع و نشأت گرفتن اقتدار حکومت از اجتماع صرف نظر کند و منشأ حکومت را نه اجتماع مردم بلکه خداوند معرفی نماید.^{۳۵} او حتی واهمه زیادی نداشت که قوانین جدید با روح حکومت قاجاری و استبداد پادشاه آن ناسازگار باشد و از مطیع و منقاد قوانین بودن «نفس همایون تاجدار مانند افراد ناس» صحبت می‌کرد و «ذات امپراتور» را در مقابل قانون با دیگران مساوی معرفی می‌کرد؛ ولی به خاطر اعتقاد به حاکمیت خداوند، برخلاف محتوای قانون اساسی فرانسه، فرد آزاد را محور حکومت قرار نمی‌داد.

براساس اندیشه سیاسی حاکم بر نظام‌های مشروطه غربی، فرد آزاد با آزادی و اراده خود تصمیم به تشکیل حکومت می‌گرفت و اختیار اجرای حکومت را به فرد یا گروهی از افراد واگذار می‌کرد. «در فلسفه سیاسی اعلامیه حقوق بشر، مفهوم 'آزادی' مفهوم بنیادین به شمار می‌آید و حاکم بر همه اصول دیگر بود. میرزا یوسف‌خان نه تنها به اصل آزادی اشاره‌ای نمی‌کند، بلکه همه اصول دیگری را نیز که در فلسفه سیاسی اعلامیه حقوق بشر پیوندی با آن مفهوم داشت، از رساله خود

^{۳۴}. مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۱۷.

^{۳۵}. همان، ص ۵۲.

حذف می‌کند.^{۳۶} در حقیقت، مستشارالدوله به علت تناقض این امر با حاکمیت خداوند، از پرداختن به آن اجتناب می‌کرد و اصولی از اعلامیه حقوق بشر را مورد توجه قرار می‌داد که برای توجیه شرعی آنها دلیل داشته باشد.

سیستم سیاسی مطلوب و قوانین آن

مستشارالدوله برای ایران عصر خود، حکومت سلطنتی مقننه را پیشنهاد می‌کرد که مجلسی «از رجال دانش و معرفت و ارباب حکمت و سیاست» براساس «همه کتب معتبره اسلام» و «جمله کودهای دول متمدنه» قوانینی جامع «و سهل‌العبار و سریع‌الفهم و مقبول ملت» برای آن تدوین کنند. این قوانین باید به امضای پادشاه می‌رسید و در کشور به اجرا در می‌آمد. «حفظ آن به عهده مجلس مخصوص مستقل سپرده»^{۳۷} می‌شد و «نفس همایون تاجدار مانند افراد ناس مطیع و منقاد همان آیین» می‌شد.^{۳۸} بنابراین، در سیستم سیاسی مورد نظر او پادشاه یا سلطان موقعیتی فراتر از قانون ندارد و نسبت به عموم مردم حائز امتیاز خاصی نیست. اما، مجلسی که برای تدوین قوانین پیشنهاد می‌کند دارای ابهام است؛ بدین معنی که معلوم نیست اعضای مجلس چگونه انتخاب می‌شوند و مردم در انتخاب آنها چه نقشی دارند. او در اصول اساسی اعلامیه حقوق بشر، حق مشارکت ملت در قانون‌گذاری به وسیله وکلای خود را مطرح نموده و آن را با آیین مشورت در اسلام مطابقت می‌دهد.^{۳۹} همچنین، امضای وکلای ملت را برای قوانین شرعی تدوین شده به وسیله علما لازم می‌شمارد؛^{۴۰} ولی بر «مقبول ملت» بودن قوانین مجلس قانون‌گذاری، تأکید می‌کند و این پرسش را در ذهن خواننده ایجاد می‌نماید که آیا قوانین تدوین شده توسط نمایندگان ملت می‌تواند مقبول ملت نباشد؟ به نظر می‌آید، منظور میرزا یوسف‌خان از قوانین جامع، سندی در حکم قانون اساسی بوده که توسط «رجال دانش و معرفت و ارباب حکمت»، اما نه ضرورتاً نمایندگان ملت، تدوین می‌شد و مبنای عملکرد دولت برای حرکت به سمت حکومت قانونمند و پارلمانی قرار می‌گرفت. قانون اساسی مورد نظر او از نوع اعطایی بود؛ به همین خاطر اعتقاد دارد: «چون

^{۳۶} طباطبایی، ص ۲۲۴.

^{۳۷} مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۱۷.

^{۳۸} میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان سپهسالار، سلخ رجب ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۵۲-۴-۱۳-۱۲۸۶ق.

^{۳۹} مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۱۳.

^{۴۰} همان، ص ۳۶-۳۷.

کتابی چنین مقبول عقلایی ملت نوشته شود و به دستخط همایون شاهنشاه برسد، و حفظ آن به عهده مجلس مخصوص مستقل سپرده شود، لامحاله، وظیفه دولت و ملت بر قانون می‌باشد.^{۴۱} مستشارالدوله درباره نتیجه حاصل از پیدایش چنین سیستمی می‌نویسد: «اگر این طور شد هم ایران آباد می‌شود و هم از تعدی درازدستان و سایر همسایگان حریص و شرور آسوده می‌شویم و هم رعایا را یک نوع فدویت خاص نسبت به تاجدار و سلسله او حاصل می‌شود و هم هزار قسم خوبی‌ها در وطن ما به ظهور می‌رسد.»^{۴۲}

برای پیدایش این سیستم لازم بود قوانینی جامع به قبول ملت و دولت و به زبانی ساده نوشته می‌شد و با پرداختن به مسائل دنیوی، قوانین عرفی را هم شامل می‌گردید. مستشارالدوله کود فرانسه یا اعلامیه حقوق بشر مندرج در قانون اساسی ۱۸۵۲ را که همان اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ بود، برای این منظور مناسب ارزیابی می‌کرد و اصول اساسی هفده‌گانه^{۴۳} آن را در بیست و یک فصل^{۴۴} زیر خلاصه و آنها را با شریعت اسلامی مطابقت می‌داد.

۱. تساوی در برابر قانون در محاکم ۲. اعطای مناصب دولتی براساس فضیلت اشخاص ۳. آزادی شخصی ۴. امنیت جان، عرض و ناموس ۵. امنیت مال ۶. حق دفاع در مقابل ظلم ۷. آزادی قلم در چارچوب قانون ۸. آزادی تشکیل مجامع در چارچوب قانون ۹. اختیار و قبول عامه اساس همه تدابیر حکومت ۱۰. حق مشارکت مردم در قانون‌گذاری ۱۱. انتخاب و کلا توسط مردم ۱۲. تعیین مالیات به میزان درآمد ۱۳. تحریر مداخل و مخارج دولت ۱۴. مسئولیت مأمورین در مقابل قانون ۱۵. تفکیک قوه مقننه از قوه مجریه ۱۶. «عدم عزل اعضا از محکمه‌ها» ۱۷. «حضور زوری‌ها در حین تحقیق» ۱۸. درج مذاکرات سیاسی و حوادث جنایی در روزنامه‌های رسمی ۱۹. «عدم شکنجه و تعذیب» ۲۰. آزادی اشتغال ۲۱. تأسیس مدارس برای اطفال فقرا.

منظور مستشارالدوله از اصل اول تحت عنوان «مساوات در محاکمات در اجرای قانون» این بود

^{۴۱}. همان، ص ۱۷.

^{۴۲}. میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان سپهسالار، سلخ رجب ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۵۲-۴-۱۳-۱۲۸۶ق.

^{۴۳}. طباطبایی، ص ۲۱۱. برای آگاهی از فصول اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ میلادی نگاه کنید به: قاسم‌زاده، حقوق اساسی فرانسه از دوره قبل از انقلاب کبیر تا سال ۱۹۴۶ (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶) ص ۴۶-۴۴.

^{۴۴}. در اصل، ۱۹ مورد بوده و توسط مصحح و با تقسیم بعضی از فقرات به ۲۱ مورد افزایش یافته‌است. به نظر می‌آید چون مستشارالدوله روح قوانین فرانسه را در صفحه ۱۹ رساله «مشمول بر بیست و یک فصل» دانسته، مصحح با این اقدام خود تعداد را به ۲۱ مورد رسانده‌است.

که احکام قانون «در حق اعلی و ادنی، وضع و شریف، قوی و ضعیف» و حتی «ذات امپراتور»^{۴۵} یکسان اجرا شود.^{۴۶} او این اصل را جایگزین اصل اول اعلامیه حقوق بشر نمود که در آن چنین آمده بود: «افراد انسانی آزاد و با حقوق برابر به دنیا می‌آیند و آزاد و برابر می‌مانند و تمایزهای اجتماعی نیز مبنایی جز سودمندی عمومی نمی‌تواند داشته باشد.»^{۴۷} مستشارالدوله ضمن حذف واژه آزادی، برابری حقوق در اعلامیه حقوق بشر را به مساوات در مقابل قانون در محاکم تقلیل می‌دهد تا اصل قانون با مخالفت شریعت با برابری حقوقی اقلیت‌ها تضاد و تناقضی پیدا نکند. او حق مساوات در اجرای قانون در محاکمات را با آیه‌هایی از قرآن کریم در مورد عدل و مساوات و طلب قصاص عکاشه و ابوسعید الخدری از پیامبر اسلام و مرافعه امام علی (ع) با یک یهودی در نزد شریح قاضی در تاریخ اسلام مطابقت می‌دهد و می‌افزاید: با وجود این که ظلم «قبیح و مخرب مملکت و سبب غضب خدا و موجب انواع ذلت‌هاست»، هنوز در ممالک اسلامی، مجازات متخلفان بستگی به خصلت‌های روحی حکام دارد و در مورد یک جرم، مجازات گوناگونی از چوب زدن تا قتل از طرف حکام اعمال می‌شود. در صورتی که «هر عقل و هر قانون و هر انصاف» حکم می‌کند که مجازات جرایم از قبل تعیین شده باشد، تا حکام از آن تخطی نکنند. مملکتی که در آن تساوی حقوق برقرار نباشد از «خرابی و بلا و غضب و استیلا بیگانه» ایمن نخواهد بود.^{۴۸}

اصل دوم از اصولی که میرزا یوسف‌خان تحت عنوان «امتیاز فضلی» مطرح می‌کند، معادلی در اعلامیه حقوق بشر ندارد^{۴۹} و به منظور سامان دادن به نابسامانی‌های امر حکومت و اداره مملکت در دوره قاجاریه طراحی شده‌است. او امتیاز فضلی را «نایل شدن به منصب و رتبه دولت از روی فضل و علم» معرفی می‌کند و مقصود از فضل و علم را نه مهارت و فضیلت «در علوم انشا و ادبیات» بلکه مهارت در «علوم و صنایع» آن زمان می‌داند «که به واسطه آن، ملل بی‌تربیت فرنگستان در صد سال به آن چنان درجه اوج و ترقی عروج نموده و کل مشرق را محتاج به خود کرده‌اند.» براساس این امتیاز، یک نفر سردار باید از طفولیت علوم نظامی و لشکرکشی را تحصیل کند و پس از طی مراحل «در مدرسه نظامیه» و خدمت در سپاه و طی مراتب به تدریج به رتبه سرداری یا

^{۴۵}. آیات مورد استناد او عبارتند از: سورة النساء، آیه ۵۸؛ سورة النحل، آیه ۹۰؛ سورة المائدة، آیه ۴۴ و ۴۳؛ سورة البقره، آیه ۱۵۰؛ سورة الانعام، آیه ۱۵۲.

^{۴۶}. مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۲۲-۲۱.

^{۴۷}. طباطبایی، ص ۲۲۰. مقایسه شود با متن اعلامیه در: قاسم‌زاده، ص ۲۶-۲۴.

^{۴۸}. مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۲۵-۲۲.

^{۴۹}. طباطبایی، ص ۲۲۷. مقایسه شود با متن اعلامیه در: قاسم‌زاده، ص ۲۶-۲۴.

سپهسالاری برسد. همچنین یک نفر حاکم، باید ابتدا درس اداره و حقوق تحصیل نماید و با طی مراحل از کدخدایی تا فرمانفرمایی «طرز سلوک و رفتار خود را با زیردستان خود بداند و با آنها از روی نصفت و عدالت رفتار کند.» مستشارالدوله این اصل را با آیاتی همچون «ان اکرمکم عند الله اتقیکم»^{۵۰} و آیات و روایاتی دیگر مطابقت می‌دهد که گاه نه در مورد امتیاز فضلی هستند و نه هدف او را در مورد فضیلت و مهارت مورد نیاز عصر برآورده می‌سازند.^{۵۱} مستشارالدوله درباره «حریت شخصیه» بیان می‌کند:

یعنی بدن هر کس آزاد است، واحدی را قدرت نیست سیلی و مشت به کسی بزند یا دشنام و فحش بدهد. صورت این مسأله متعدد و کثیر است. منجمله، احدی را درون خانه کسی حق دخول و تجسس نیست و هیچ کس را به گناه دیگری عقوبت نمی‌توان کرد و کسی را با ظن مجرد نمی‌توان گرفت و حبس نمود، و احدی را بدون حکم قانون جریمه و تنبیه و سیاست نمی‌توان کرد. این نیز کانه قانون اسلام است.^{۵۲}

«حریت شخصیه» مورد نظر میرزا یوسف‌خان، با آزادی فردی موجود در اعلامیه حقوق بشر متفاوت بود. آزادی در اعلامیه حقوق بشر، آزادی فرد برای انجام هر کاری بود که به حقوق دیگران خدشه وارد نکند^{۵۳} و افراد برای این که حقوق همدیگر را خدشه‌دار نسازند قوانینی برای حدود آزادی خود وضع می‌کردند و از قوانینی که خود گذاشته بودند تبعیت می‌کردند. قوانین منشأ الهی نداشتند بلکه مظهر اراده مردم بودند و با رأی اکثریت نمایندگان مردم ایجاد می‌شدند.^{۵۴} این طرز تلقی از آزادی با حاکمیت خداوند که مستشارالدوله به آن اعتقاد داشت سازگار بود و در آن، قوانین از اراده افراد نشأت نمی‌گرفتند. مستشارالدوله برای این که آزادی فردی «اعلامیه حقوق بشر» در چارچوب شریعت قرار بگیرد آن را به امنیت جسمی فرد و تبعات آن پیوند می‌دهد و آن را با آیاتی از قرآن مجید مطابقت می‌دهد که عمل بر اساس اخبار فاسقین را جایز نمی‌داند، از ظن و تجسس در مورد افراد منع می‌کند و ورود به مسکن افراد را بدون اجازه آنها جایز نمی‌داند.^{۵۵}

۵۰. سورة الحجرات، آیه ۱۳.

۵۱. مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۲۸-۲۵. مثل سورة هود، آیه ۳؛ سورة آل عمران، آیه ۱۹۵؛ سورة النجم، آیه ۱۹۱؛ سورة البقره، آیه ۲۳۷.

۵۲. همان، ص ۲۹-۲۸.

۵۳. قاسم‌زاده، ص ۲۵.

۵۴. همان، ص ۲۵.

۵۵. مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۲۸-۲۵.

امنیت جان، عرض و مال از اصول اعلامیه حقوق بشر در فصول چهارم، پنجم و ششم^{۵۶} مورد توجه مستشارالدوله قرار گرفته و با آیات و روایات مطابقت یافته‌اند. میرزا یوسف‌خان در مورد امنیت جانی به آیاتی همچون آیه ۳۲ از سوره مائده و آیاتی دیگر که قتل نفس را مذمت می‌کنند و قصاص را بر آن جایز می‌دانند، استناد می‌جوید و امنیت عرض را با آیاتی مبنی بر مجازات زنا و امنیت مال را با آیاتی در مجازات سارق پیوند می‌دهد. او در طرح پیش‌نویس قانون اساسی، در مورد امنیت جان و مال و عرض و ناموس چنین می‌آورد:

جان و مال و عرض و ناموس قاطبه اهالی ایران، از هر گونه تعدیات و تجاوزات محفوظ بوده من بعد به هیچ بهانه احدی از وزراء شاهزادگان و حکام کل و جزو بدون جواز شریعت مطهره و بدون تعیین دیوان عدالت حق تعرض و تعدی به جان و مال و عرض و ناموس رعایا ندارند، چون که با عدم امنیت روز به روز مملکت ایران و اهالی آن به اطراف عالم متفرق و پریشان خواهند گردید.^{۵۷}

مستشارالدوله وجوب مدافعه ظلم بر همه را گنجانده‌است و «اغلب خوبی‌ها و آسایش و آبادی و امنیت فرنگستان» را ناشی از وجود این قانون می‌داند. این قانون را با قاعده امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات اسلامی یکی می‌شمارد و اعتقاد دارد که «اختیار و آزادی زبان و قلم» از این قانون پدید آمده‌است. براساس این قانون «هر کس از اعلی و ادنی، هر چیزی که در خیر و صلاح و رفاه مملکت و ملت به خیالش برسد، با کمال آزادی می‌نویسد و منتشر می‌کند. اگر خیال و تصورات او مقبول امت باشد تحسین و در صورت عکس، «منع و تقبیح» می‌شود.^{۵۸}

در بخشی دیگر، مستشارالدوله، آزادی مطبعه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و مطالب علمی آن را با آیات و احادیث مربوط به شرف علم و مطالب مربوط به مدافعه ظلم را با امر به معروف و نهی از منکر مطابق می‌داند و می‌نویسد: «اگر مطلب چاپ‌شده ضرری به دین یا به اخلاق عامه» و «احکام کود» داشته باشد «ازالۀ آن ضرر» واجب خواهد بود. در ادامه در مورد آزادی مطبوعات در غرب می‌آورد: «باید دانست که حریت مطابع در ممالک متحده آمریکا و انگلیس و فرانسه و سوئیس و بلژیک و یونان به مرتبه کمال است و امروز در شهر پاریس، صد چاپخانه و ششصد کتاب‌فروش است.»^{۵۹}

^{۵۶} . مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۲۹-۲۸.

^{۵۷} . متن سند

^{۵۸} . مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۳۳-۳۲.

^{۵۹} . همان، ص ۳۴.

میرزا یوسف‌خان به اصل آزادی مجامع نیز اشاره می‌کند که در اعلامیه حقوق بشر وجود ندارد.^{۶۰} براساس این اصل، در غرب «هر فرقه و هر جماعت هر وقت اراده کنند، در مجمعی مخصوصاً جمع شده در مسأله‌ای از مسایل علوم یا سیاست و افعال حکومت و یا در امر معاش خود بدون موانع، گفتگو و مباحثه می‌کنند.» او اجتماع اصیل‌زادگان، صاحبان صنایع، نظامیان و کشاورزان را نمونه‌ای از این مجامع می‌داند که علی‌رغم اختلاف فکر در ترقی دولت هم مقصد هستند و آنها را با اجتماع فرقه فرقه اصحاب پیامبر در مسجد نبی و استفسار از آن بزرگوار در موارد مختلف یکسان تلقی می‌کند.^{۶۱}

بخش دیگری از این رساله اختیار و قبول ملت را اساس همه تدابیر حکومت معرفی می‌کند و آن را از آیه «و امرهم شوری بینهم» و قاعده استشاره در اسلام قیاس می‌گیرد.^{۶۲} بر اساس این اصل در اعلامیه، حاکمیت ناشی از خود ملت خواهد بود.^{۶۳} میرزا یوسف‌خان در جای دیگر در مورد این مسأله می‌نویسد: «حسن این ترتیب، در عقول سلیمه محل انکار نتواند شد. چون اهالی فرانسه و سایر دول متمدنه به واسطه وکلای خود از حق و ناحق، مباحثه و گفتگو کنند، هر تکلیفی را که قبول نمایند، ظهور اختلاف و عدم مطاوعت محال می‌باشد چون که خود بر خود حکم کرده‌اند.» امپراتور و پادشاه هم با این قاعده امنیت خود را تأمین می‌نماید و از نیرنگ‌های «ارباب نفوذ» و فتنه‌های اهل فساد رهایی می‌یابد. هر چه می‌گوید چون قبلاً توسط وکلای ملت مورد بحث قرار گرفته و مورد پذیرش «آرای عامه» واقع شده‌اند با مخالفتی روبرو نمی‌شود. بدین طریق، امرا و ارکان دولت آسوده خاطر می‌شوند و دیگر برای «دولت و امت» جای بیم و هراس باقی نمی‌ماند.^{۶۴}

برخی از محققان^{۶۵} از این اصل، چنین برداشت کرده‌اند که میرزا یوسف‌خان همانند نظام‌های مشروطه غربی، منشأ حکومت را اجتماع قرار داده‌است. این برداشت با نظر میرزا یوسف‌خان مبنی بر تعلق حاکمیت بر خداوند تناقض دارد و نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. در واقع، هدف

^{۶۰} طباطبایی، ص ۲۲۶؛ قاسم‌زاده، ص ۲۶-۲۴.

^{۶۱} مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۳۴-۳۵.

^{۶۲} همان، ص ۳۶.

^{۶۳} قاسم‌زاده، ص ۲۴.

^{۶۴} مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۱۶-۱۵.

^{۶۵} از آن میان است: فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت (تهران: سخن، ۱۳۴۰) ص ۱۸۶؛ غلامرضا وطن‌دوست، «اندیشه سیاسی میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله و مشروطه ایران»، بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران بزرگداشت آیت‌الله محمدکاظم خراسانی (تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴)، ص ۳۵۷؛ عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۵۳؛ ماشاءالله آجودانی، مشروطه ایرانی (تهران: اختران، ۱۳۸۲) ص ۲۵۶.

مستشارالدوله از اصل فوق بیان تعلق حاکمیت به مردم نیست، بلکه او در راستای مبنای اسلامی نظریه خود و تعلق حاکمیت به خداوند، مردم را در تدابیر حکومت مشارکت می‌دهد. براساس نظریه اسلامی، امام به عنوان جانشین پیامبر (ص) و یا ائمه معصومین (ع) هر چند قدرت تشریح ندارد، ولی می‌تواند برای امور دنیوی و اداره بهتر اجتماع قوانینی را با توجه به شریعت وضع کند. بنابراین، هدف مستشارالدوله مشارکت دادن مردم در امر قانون‌گذاری امام در امور دنیوی است و نمی‌توان آن را به تعلق حاکمیت بر مردم تفسیر کرد. او به همین دلیل، جمله متن اعلامیه را عیناً ترجمه نکرد و آن را به حق مردم در تدابیر حکومت تغییر داد تا نگوید حاکمیت از آن مردم است.

مستشارالدوله معتقد است «حق انتخاب و کلا است مر اهالی را در مقابل دیوان دولت.» به موجب این فصل، مردم، وکلای خود را که در اصطلاح فرانسوی به آنها «دپت» می‌گویند، برطبق قانون انتخاب می‌کنند و از طریق آنان در «مجلس کورلژسیلاتیف یعنی مجلس قانون‌گذار»^{۶۶} در مورد نحوه عملکرد دولت مشارکت می‌نمایند. مستشارالدوله این اصل را از قاعده مشورت در اسلام قیاس می‌گیرد و برای اثبات عقیده خود به آیه «و شاورهم فی الامر»^{۶۷} و حدیث «لاصواب مع ترک المشورت»^{۶۸} متوسل می‌شود.^{۶۹} در اینجا نیز بیان مستشارالدوله در راستای تعلق حاکمیت به خداوند از متن اعلامیه متمایز می‌گردد. بر اساس اعلامیه، هیچ فرد و هیچ دسته‌ای نمی‌تواند خود را منشأ حاکمیت بداند یا بدون نمایندگی قانونی حکومت کند و یا یکی از وظایف عمومی را بر عهده بگیرد و هر فردی حق دارد به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در وضع قوانین و انتخاب نمایندگان ملت و مأموران دولت شرکت کند.^{۷۰} مستشارالدوله این اصل را به مداخله در افعال حکومت تعبیر می‌کند در حالی که این اصل، برقرارکننده اصل حاکمیت مردم است.

میرزا یوسف‌خان ضمن مطابقت تعیین مالیات بر اساس درآمد^{۷۱} و تحریر مداخل و مخارج دولت با آیات و روایات اسلامی در مورد تأثیر تحریر مداخل و مخارج دولت بر اخلاق مردم می‌نویسد: «باید دانست احسن سیاست آن است که بر اخلاق حسنه مؤسس باشد. این کلام ارسطاطالیس است و به عقل و نقل مطابق.» بنابراین سیاست‌های دولت نباید در جهت تغییر

^{۶۶}. Corps legislative

^{۶۷}. آل عمران / ۱۵۹.

^{۶۸}. حدیثی از امام علی (ع).

^{۶۹}. مستشارالدوله، یک‌کلمه، ص ۳۷-۳۶.

^{۷۰}. قاسم‌زاده، ص ۲۶.

^{۷۱}. اصل آن چنین است: مالیات برای تأمین منافع عمومی وضع می‌شود، مالیات باید با در نظر گرفتن بنیه مالی مؤدیان تعیین و دریافت شود. همان، ص ۴۵.

«اخلاق تبعه و اهالیس» باشد، بلکه باید به تهذیب اخلاق آنها نیز منجر گردد و تحریر مخارج دولت و تعیین مالیات بر اساس آن در فرنگستان از تدابیر سیاسی برای تهذیب اخلاق است. در صورتی که در ممالک اسلامی چون مردم از مخارج دولت خبر ندارند، مالیات را برای تأمین هوسرانی حکمداران می‌دانند و به انواع حيله و دروغ از پرداخت آن شانه خالی می‌کنند و مجازات آنها به دنبال این کار منجر به «خوف و مسکنت و هتک ناموس و فرار»^{۳۲} می‌گردد و «شجاعت و بسالت و علو همت» را در آنها نابود می‌کند. در انگلیس قبلاً برای تعیین میزان مالیات مردم «قاعده تفحص گذاشته بودند» و بعد که به قول هر کس بر میزان درآمد خود اعتماد نمودند، میزان درآمد دولت از راه مالیات افزایش یافته و تعداد کسانی که میزان درآمد خود را مخفی می‌دانستند، کم شده است.^{۳۳}

مستشارالدوله در نگاشته خود چنین می‌آورد: «هر وزیر و امیر و حاکم در مأموریت خود مسئول است. سبب مسئول بودن این است که هر مأمور مکلف است به متابعت احکام قانون، چون سایر مکلفان.» میرزا یوسف‌خان این اصل را هم مطابق با شریعت اسلام می‌داند که براساس قرآن مجید همه تکالیف را به صیغه جمع «اطیعوا و اتوا» آورده و حتی ذات پیغمبر (ص) را از تکلیف استثناء نکرده است. بنابراین مسلمانان که به مکلف بودن انبیا و اولیاء اعتقاد دارند، به حکم حدیث «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»، نمی‌توانند حاکم و امیری را از تکلیف آزاد شمارند.^{۳۴}

میرزا یوسف‌خان به بحث تفکیک قوا می‌پردازد و مقصود از «تفریق قدرت تشریع از قدرت تنفیذ» را واگذاری «وضع و تنظیم» و «تنفیذ و اجرای» قوانین را به دو مجلس جداگانه می‌داند تا در نتیجه آن، هر یک از مجلسین بدون ترس و واهمه از دیگری «ودیعۀ خود را به استقلال و آزادی تمام حفظ» کنند. به اعتقاد او، جدایی اختیار این دو قوه آن قدر اهمیت دارد که فواید آن را در صد جلد کتاب هم نمی‌توان بیان کرد. تمام ترقی و قدرت و ثروت در فرنگستان ناشی از تفریق، و بی‌نظمی و رکود اقتصادی و عدم اقتدار در ممالک شرقی از اختلاط این دو قوه است. «عقلای روی زمین از روی تحقیق و تجربه گفته‌اند: در دولتی که دو اختیار، مخلوط هم استعمال می‌شود ممکن نیست که باعث ضعف و خرابی، و بلکه بالمال سبب انقراض آن دولت نگردد.» مستشارالدوله «این قانون مستحسنۀ فرنگستان» را «از قوانین قدیمۀ اسلامی» می‌بیند و تفویض وظیفۀ قانون‌گذاری به مفتیان و مجتهدان و وظیفۀ اجرا به والیان و محتسبان و استقلال هر کدام از اینها را دلیلی بر

^{۳۲}. مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۳۸-۴۱.

^{۳۳}. همان، ص ۴۱.

حقانیت خود می‌داند و می‌نویسد: «اگر چه تنظیم قانون و تنفیذش در حقیقت به مرجع واحد، یعنی به وحدت امامت مربوط است، ولی در ترتیب، تفریق واجب است.» به گمان او، بیان شیخ علی کرکی در مورد فرق حکم و فتوا در کتاب *شرایح الاسلام* نیز همان معنی را می‌رساند. کرکی حکم را ایجاد و ابراز قوی و حکمی شرعی مربوط به امر شخصی و فتوا را «بیان مسأله‌ای شرعی» به طور کلی می‌داند که مربوط به امر شخصی نیست.^{۷۴}

مستشارالدوله مسأله انفکاک قوا را در نخستین طرح قانون اساسی هم این گونه می‌آورد: برای ترتیب قوانین شریعت غزا و وضع بعضی قواعد و انتظامات که لازمه سیاست مدن است مجلسی، و برای اجرای قوانین مزبوره مجلس جداگانه‌ای تشکیل شود. هر یک از مجالس دوگانه بی‌مداخله به کار یکدیگر تکالیف خود را باید مجری بدارند. تفریق این دو مجلس از امور عمده و اهم دولت است و بدون آن هیچ یک از امور دولتی و مملکتی نتیجه نیک عاید نبوده از تجربیات چندین ساله سلطنت‌مان مبرهن است.^{۷۵}

وحدت امامت که مستشارالدوله از آن یاد می‌کند از ارکان مکانیسم سیستم سیاسی در اسلام است. وحدت امامت در امتداد تعلق حاکمیت به خداوند قرار دارد که در آن قوانین لازم برای سعادت بشر از طریق وحی بر پیامبر نازل می‌شود. این قوانین، تنها محدود به امور دنیوی نیست و قوانین برای سعادت اخروی را هم شامل می‌شود. وضع قوانین از طرف منبعی روحانی و فوق بشری، از آن رو، ضرورت می‌یابد که افراد انسانی فاقد صلاحیت لازم برای وضع قوانین جهت سعادت دنیوی و اخروی هم نوعان خود شناخته می‌شود. بر مبنای قاعده وحدت امامت، امام به عنوان جانشین پیامبر، همانند او از قداست برخوردار نیست و تنها ناظر بر اجرای قوانین شریعت است. او توسط مردم و با بیعت و رضایت آنان به مقام حکومت می‌رسد و تا زمانی که قوانین شریعت را اجرا نماید ظل‌الله در زمین محسوب می‌گردد. برای امور اخروی نمی‌تواند قانون وضع نماید، ولی برای اجرای بهتر قوانین شریعت در امور سیاسی و دنیوی می‌تواند قوانین عقلانی وضع کند. بنابراین، وضع و اجرای قوانین در دایره شریعت از وظایف و اختیارات امام است و در آن تفکیک و جدایی صورت نمی‌گیرد. وحدت امامت در اسلام معمولاً با مکانیسم اطاعت مردم از حاکم، حاکم از علما و علما از شریعت بیان می‌شود که در آن شریعت مرجع نهایی برای امور اخروی و دنیوی به حساب می‌آید. در نتیجه، بیان مستشارالدوله، مبنی بر وجود تفکیک قوا در تاریخ اسلام و قانون‌گذاری مفتی‌ها و مجتهدان و

^{۷۴}. همان، ص ۴۳-۴۱.

^{۷۵}. آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، ص ۶۹.

اجرای والیان و محتسبان، چیزی جز تفکیک وظایف نیست.^{۷۶}

به نظر می‌آید مستشارالدوله به خاطر این محدودیت نظری و نیز الزامات حکومت استبدادی قاجاریه در نخستین طرح قانون اساسی هم، وظایف قانون‌گذاری و اجرا را میان دو مجلس جداگانه تقسیم کرده و از نحوه روابط آنها با شاه قاجار سخنی به بیان نیاورده‌است.

میرزا یوسف‌خان در ادامه عدم عزل اعضا از محکمه‌های عدالت و دیوانخانه سنا، حضور ژوری‌ها در تحقیق جنایات، اعلام مسائل سیاسی، حوادث جنایی و مذاکرات رسمی و کلای ملت در روزنامه‌های دولتی، عدم شکنجه و تعذیب، آزادی اشتغال و احداث مکتب‌خانه‌ها و معلم‌خانه‌ها برای تربیت اطفال فقرا در اعلامیه حقوق بشر را با شریعت اسلامی مطابقت می‌دهد و برای آنها از آیات و روایات دلایل و شواهد می‌یابد.^{۷۷}

حکومت قانون: نیاز زمانه

میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله حکومت قانونمند را چاره‌ای برای رفع بی‌عدالتی‌ها و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اداری جامعه می‌دانست و همواره ضمن انتقاد از مشکلات مذکور، حکومت قانون را نیاز زمانه خود معرفی می‌کرد. در سال ۱۲۸۳ قمری، در گزارشی به نقل از یکی از دوستان خارجی خود^{۷۸} در موقع ورود به تبریز، چنین می‌نویسد:

روز ورود در یک فرسخی تبریز، جمعی مرد و زن دیدم که در صحرا ساکن شده‌اند. از حالتشان

^{۷۶} برای اطلاع بیشتر از قاعده وحدت امامت، نک: علی سعوی، «الحاکم هو الله»، روزنامه علوم، نمره ۱ و نیز همان، «قدرت سیاسی در دولت اسلامی»، روزنامه علوم، نمره ۱۶. دلایلی آشکار برای تأثیرپذیری مستشارالدوله از سعوی در این زمینه وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به مشابهت بسیار نزدیک خلاصه مستشارالدوله از اعلامیه با خلاصه سعوی اشاره کرد. سعوی از اعضای جمعیت نعثمانی‌ها بود که در زمان حضور میرزا یوسف در پاریس از عثمانی به اروپا فرار کرده بود و روزنامه‌های علوم و مخبر را در پاریس و لندن چاپ می‌کرد. خلاصه سعوی مدت‌ها قبل از نگارش یک کلمه چاپ شده بود که عبارتند از: ۱. تساوی افراد در مقابل شریعت ۲. استخدام براساس شایستگی ۳. حریت شخصی ۴. امنیت به جان، مال و ناموس ۵. حق مدافعه در مقابل ظلم و تعدی ۶. حق اجتماع مردم ۷. آزادی مطبوعات ۸. افکار عمومی اساس هر قدرت ۹. حریت سیاسی، یعنی مشارکت مردم در کارهای دولت به واسطه نمایندگان منتخب ۱۰. تعیین نحوه و میزان پرداخت مالیات ۱۱. تعیین نحوه مصرف بودجه ۱۲. مسئولیت مأمورین در وظایف خود ۱۳. تفکیک قوه قانون‌گذاری از قوه اجرایی ۱۴. مصونیت اعضای مجالس دولت از عزل ۱۵. حضور ژوری‌ها در محاکم جنایی ۱۶. درج صورت مذاکرات مجالس در امور سیاسی و جنایی در روزنامه‌های رسمی ۱۷. لغو شکنجه برای اقرار گرفتن ۱۸. عدم ممانعت از صنایع ۱۹. تأسیس مکتب برای فقرا. با توجه به این که این خلاصه‌ها ترجمه عین اعلامیه نبوده و با حذف، تعدیل و اضافه کردن بعضی از مواد صورت گرفته‌است این تشابه نمی‌تواند اتفاقی باشد. نگاه کنید به علی سعوی، «خطبه»، روزنامه مخبر (۱۳ می ۱۸۶۸ / ۲۰ محرم ۱۲۸۵)، ص ۱. با توجه به این دلایل بعید نیست هدف مستشارالدوله از «دوست مورخ و حدیث‌دان» نیز همان سعوی باشد.

^{۷۷} مستشارالدوله، یک کلمه، ص ۵۲-۴۳.

^{۷۸} مستشارالدوله در متن سند، او را معرفی نمی‌کند.

سؤال کردم. گفتند: از اهل قریه زال هستیم و به حکم دیوان قریه مزبوره را غارت و ما را به صحرا متفرق کرده‌اند سببش را پرسیدم گفت[ند]: یک نفر از اهل قریه به محصل دیوان خلاف ادب گفته بود، به تلافی آن هزار نفر از ما را به این روز انداخته‌اند.^{۷۹}

همچنین به هنگام مأموریت وی در پاریس، کردهای «اورامان» در مرز عثمانی شورش کردند و مقهور نیروی دولت شدند،^{۸۰} اما ناصرالدین شاه به استدعای میرزا حسین خان مشیرالدوله از تقصیرات آنها گذشت تا به جایگاه خود برگردند. مستشارالدوله در مورد آن فرمان به مشیرالدوله می‌نویسد: واضح است که بعد از مراجعت از جانب شاه اذیتی به آنها نخواهد رسید، ولی با این سیستم سیاسی حاضر «کدام قوت و کدام قانون» آنها را از ظلم و تعدی حکام و مباشران محافظت خواهد کرد. مسلم است که باز مورد تعدی و ستم قرار خواهند گرفت و دوباره یاغی و طاعی می‌شوند «باز این صدمه است باز این زحمت تا بوده چنین بوده و تا هست چنین است.»^{۸۱}

در جایی دیگر به کنایه از اوضاع ایران می‌گوید: وقتی یک قتل فجیع در داخل مملکتی بی‌قانون اتفاق می‌افتد ده نفر را بدون تحقیق می‌کشند و اقلأ صد نفر را بی‌خانمان و هزار نفر را متهم نموده و جریمه و رشوه می‌گیرند. «بدنامی آن قسم دول را این طرز بی‌عدالتی‌ها سبب می‌شود والا قتل و دزدی و سرقت و شورش و یاغیگری و اجماع عام همه جا می‌شود. لیکن در اجرای عدالت تفاوت کلی هست.»^{۸۲}

اجحافات در حق مردم تنها از بی‌مسئولیتی حکام و مأموران ناشی نمی‌شد و گاه سیاست‌های غلط مالیاتی عامل آن بود. بعضی اوقات دولت به خاطر بدی محصول و یا مشکلات دیگر به مردم یک شهر و یا منطقه‌ای در مالیات تخفیف می‌داد، ولی به خاطر عدم رسیدگی، حکام مالیات‌های بخشیده‌شده را از مردم وصول می‌کردند و به دولت تحویل نمی‌دادند و یا به هر نحوی در اجرای امر تخلف می‌کردند. در یک مورد از آن مستشارالدوله می‌نویسد: «از گزارش تخفیف گیلان یک

^{۷۹} میرزا یوسف‌خان به وزارت امور خارجه، ۸ رمضان ۱۲۸۳، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۲-۲۷-۱۱ و ۱۲۸۱ق.

^{۸۰} میرزا یوسف‌خان به وزارت امور خارجه، ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۲-۴-۱۳-۱۲۸۶ق.

^{۸۱} میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۱ جمادی‌الثانی ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۵-۴-۱۳-۱۲۸۶ق.

^{۸۲} میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۹ رجب ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۴-۴-۱۳-۱۲۸۶ق.

دنیا حیرت و افسوس حاصل شد به سبب این که اگر رعایا مستحق همان قدر تخفیف هستند به جهت رعایت حال بیچارگان باید مرحمت شود و اگر نیستند، پس چرا باید کیسه حکام از پول دولت بی‌علت به این اسم‌ها پر شود. پارسال یکصد هزار تومان تخفیف مرحمت شده آیا به احدی ثابت است که بر مستحقین رسیده، بلکه، ثابت است فقط بنده خبر ندارم.^{۸۳}

برای رفع تعدیاتی از این قبیل و رعایت «قاعده و انصاف و حق‌پرستی» توصیه می‌کند «اسامی تخفیف‌داده‌شدگان به اسم و رسم در روزنامه دولتی» اعلام شود^{۸۴} و با عزل و نصب‌های بی‌قاعده و بی‌حاصل به حال مملکت روزگار مردم پریشان نشود.^{۸۵}

بسیاری از انتقادهای میرزا یوسف‌خان، مربوط به وزارت خارجه بود که سال‌های متمادی در آن اشتغال داشت. در گزارش‌های رسمی او کمتر موردی می‌توان یافت که در آن، از مسائلی همچون نرسیدن مقرری و قرض سفارتخانه از صرافان اشاره نشده باشد.^{۸۶} این مشکلات، او را به فکر استعفا و یا تظلم در دیوان عدلیه می‌انداخت.^{۸۷} عملکرد وزارت خارجه در سایر زمینه‌ها را نیز رضایت‌بخش نمی‌دانست و سهل‌انگاری‌های صورت‌گرفته و صدمات ناشی از آن را مورد نقادی قرار می‌داد. در یک مورد می‌نویسد:

پربروز مسیو خانیقوف و بی‌برستین در سفارت بودند. از سفر اعلیحضرت پادشاهی پرسیدند. چون خبری نداشتیم در جعلی هم کار نکرده‌ام اظهار بی‌خبری کردم. تعجب ماندند. گفتیم: به واسطه وقوع ناخوشی چندی است احکام وزارت‌خانه نرسیده [است]. پرسیدند: در روزنامه طهران البته از سفر اعلیحضرت شاه و کیفیت ناخوشی نوشته‌اند. گفتیم: روزنامه هم نرسیده [است]. به خداوند قسم به حدی حیرت به آنها حاصل شد که با یک چوب خوردن در ایران برایم مقابل بود. صدمات ایران در ایران فیما بین اهل ولایت است که همه هم رنگ و هم عادت هستیم، اما صدمات این مملکت‌ها در پیش خارجه بدتر از هر گونه عذاب الیم

^{۸۳}. میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۴ رجب ۱۲۸۴، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۴-۱۷-۱۲-۱۲۸۳ق.

^{۸۴}. همان.

^{۸۵}. میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۴-۱۲-۱۳-۱۲۸۶ق.

^{۸۶}. برای نمونه نک: میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۲۷ رمضان ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۸-۳-۱۳-۱۲۸۶ق.

^{۸۷}. میرزا یوسف‌خانه به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۲ شعبان ۱۲۸۴، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۸-۱۷-۱۲-۱۲۸۳ق.

است.^{۸۸}

میرزا یوسف‌خان، همچنین از اعطای نشان‌ها به صورت بی‌رویه از طرف وزارت خارجه و بی‌اعتبار شدن نشان‌های ایرانی در نزد مأموران خارجی، زبان به شکایت می‌گشاید و خواستار اصلاح امور می‌شود.^{۸۹} وی در نامه‌ای به مظفرالدین میرزای ولیعهد، قانون و حکومت قانونمند را راه حلی برای این مشکلات قلمداد می‌کند و می‌گوید که «به عقیده کافه سیاسیون» وضعیت ایران از یک طرف به خاطر «ترقی شدیدالسرعه همسایگان» و از طرف دیگر به خاطر ازهم‌پاشیدگی اقتدار بلندمدت دولت در اثر «افعال خودسرانه و بی‌باکانه درباریان» به مرحله‌ای بس خطرناکی رسیده‌است. بنابراین، سخن آنانی که اداره‌ها و وزارت‌خانه‌های ایران را بی‌عیب و نقص و میرا از تغییر دانسته‌اند، حرفی بی‌مغز، زلالی تلخ و قولی نامسموع است: «این ناقص‌فهمان از طفولیت تا امروز به چپاول نمودن اهالی بیچاره ایران معتاد شده‌اند و به همین طورها شرف و مکتب ملت را گرفته به خرقة خز و رشمه طلا داده‌اند و به این حرف‌ها که علما خیرخواه دولت و پادشاه است و ولایت نظم و رعیت آسوده و نوکر دعاگو و قشون حاضر، خود را مادام‌العمر از مسئولیت دولت خارج می‌دانند.»^{۹۰}

میرزا یوسف‌خان، پیدایش اقتصاد صنعتی، بی‌نیازی دولت از سرمایه‌گذاری خارجی در احداث بانک و ایجاد کارخانجات و کشیدن خطوط آهن را منوط به یک نظام سیاسی مضبوط می‌دانست که در آن «طوایف مختلفه در ایران در آزادی و مساوات زندگی کنند و اموالشان از تعرض داخلی و خارجی مصون باشد و در خیر و شر وطن شریک و سهیم گردند.»^{۹۱} برای کسب احترام و اعتبار در دیدگاه همسایگان و برای رفع نابسامانی‌های حاصل از غفلت و اقدامات خودسرانه مأموران و مسئولان دولتی «تأسیس قوانین تازه» را ضروری می‌داند، زیرا وضع «قانون و تنظیمات» نشان خواهد داد که این «الفاظ مزخرف درباریان» ایران در هیچ یک از اداره‌ها و دربارهای «دول کنستی‌توسیون وزن وضعیتی ندارد الا در نزد دول آسیا». این درباریان ایران یا «این دایگان مهربان‌تر از مادر و این گرگان مرغابی‌صفت و این خیراندیشان خانمان برانداز» تنها در صورتی از منافع خود دست خواهند کشید که دولت مقننه شود. بنابراین، «به عهده مأمورین سیاسی و ملکی

^{۸۸} میرزا یوسف‌خان به میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، ۲ شعبان ۱۲۸۴، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۸-۱۷-۱۲-۱۲۸۳ق.

^{۸۹} میرزا یوسف‌خان به وزارت امور خارجه، جمادی‌الاول ۱۲۸۲، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سند شماره ۲۰-۲۷-۱۱-۲ و ۱۲۸۱ق.

^{۹۰} میرزا یوسف‌خان به مظفرالدین میرزا، ۱۳۰۶ق، به نقل از ناظم الاسلام کرمانی، ص ۱۷۳.

^{۹۱} همان، ص ۱۷۷-۱۷۶.

است همیشه بر وفق مقتضای عصر و احتیاج زمان رفتار نموده هفته‌ای یک روز به مفاد آیه کریمه و شاورهم فی الامر به اتفاق یکدیگر از روی حقیقت در تصفیه امور دولت و ملت شور نمایند.^{۹۲}

نتیجه‌گیری

میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، طی آشنایی با تمدن مغرب‌زمین و درک نظم و ترقی غربی‌ها و نیز آگاه شدن به عقب‌ماندگی ایران، خواهان استقرار قانون برای انتظام امور کشور از مشکلات داخلی و خارجی شد. وی برای قانونمند شدن ایران لازم می‌دید قوانینی به شکل قوانین غربی در شکل قانون اساسی تنظیم شود و پس از اعطا از طرف پادشاه مبنای قانونمندی کشور قرار گیرد. برای این منظور اعلامیه حقوق بشر در قانون اساسی فرانسه را مناسب می‌دانست. برای اقتباس اعلامیه حقوق بشر و به کارگیری آن در ایران، اصول اساسی آن را در رساله یک‌کلمه ارائه داد. اقدام او ارائه یک ترجمه صرف از اعلامیه حقوق بشر نبود، بلکه نگاهی به آن اصول از چارچوب شریعت بود. مبانی نظری میرزا یوسف‌خان در مورد حکومت از اندیشه غربی و سازگاری آن با شریعت اسلامی نشأت می‌گرفت. از نظر او، حاکم خداوند بود و او قوانین لازم برای سعادت دنیوی و اخروی بشر را از طریق پیامبر به انسان‌ها ابلاغ می‌کرد. براساس این دیدگاه، بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) خلفا و حاکمان جانشین آنان در مقام حکومت ناظر بر اجرای قانون بودند و قدرت تشریح نداشتند، ولی می‌توانستند برای اداره بهتر امور سیاسی با توجه به شریعت قوانین وضع نمایند. این قاعده در اندیشه سیاسی اسلامی به قاعده وحدت امامت معروف است و بر مبنای آن امام به عنوان جانشین پیامبر و یا ائمه اطهار با بیعت و یا رضایت مردم به حکومت می‌رسد و از قداست برخوردار نیست، ولی تا زمانی که احکام شریعت را اجرا می‌نماید به منزله ظل الله فی الارض محسوب می‌شود و قانون‌گذاری برای امور دنیوی و اجرای قوانین شریعت هر دو از اختیارات او محسوب می‌گردد. مستشارالدوله با توجه به قدرت قانون‌گذاری امام در امور دنیوی و تحت تأثیر نظام‌های مشروطه غربی پیشنهاد می‌کرد امور دنیوی از امور اخروی جدا شود و بنا به حدیث «انتم اعلم بامر دنیاکم» برای «سیاست و معاش» قوانین مستقل از آخرت و معاد با مشارکت مردم از طریق نمایندگانشان در مجلس قانون‌گذاری تنظیم گردد. او برای تدوین قوانین «سیاست و معاش» اعلامیه حقوق بشر را مبنای مناسبی می‌دانست و آن را در چارچوب شریعت در نوزده فصل ارائه می‌داد. امیدوار بود قوانین برگرفته از اعلامیه حقوق بشر در چارچوب شریعت اسلامی مبنای پادشاهی مقننه در ایران

^{۹۲}. همان، ص ۱۷۴-۱۷۳.

را فراهم آورد و برای این که اصول اعلامیه حقوق بشر با شریعت اسلامی سازگار گردد تعدادی از اصول آن را حذف و تعدادی دیگر را تعدیل نمود. از جمله اصول اساسی حذف شده، اصل آزادی به مفهوم غربی بود که بر مبنای آن، فرد آزاد برای حفظ حریم آزادی‌های طبیعی خود اقدام به تشکیل حکومت و قانون‌گذاری می‌کند.

میرزا یوسف‌خان، همچنین برای تطابق اعلامیه با اصول شریعت اسلامی اصل‌هایی از آن همچون، تساوی حقوقی و امنیت جانی و غیره را با تعدیل‌هایی ارائه داد و اصل تفکیک قوا را با انطباق با نظریه وحدت امامت به شکل ناقصی درآورد که در آن تفکیک قوا به تفکیک وظایف تقلیل یافت و با اصل آن در نظام‌های مشروطه غربی متفاوت گردید.

براساس تحقیق حاضر، بیان آن عده از محققان که اقدام مستشارالدوله را ترجمه اعلامیه حقوق بشر به منظور استقرار نظامی مبتنی بر نظام مشروطه غرب معرفی می‌کنند و تلاش او برای مطابقت اصول اعلامیه با آیات و روایات اسلامی را کاری آگاهانه برای قابل پذیرش جلوه دادن نظام مشروطه غربی در جامعه ایرانی می‌دانند، نمی‌تواند مورد قبول واقع گردد. همچنین، این مسأله نیز نمی‌تواند مورد قبول باشد که مستشارالدوله با انتخاب اصول اعلامیه حقوق بشر به عنوان الگو اصول شریعت اسلامی را با توجه به چهارچوب اصول اعلامیه تفسیر کرده باشد، چرا که آن اصول را براساس برداشت خود از شریعت حذف یا تعدیل کرده‌است. البته هدف از این سخن، تأیید درستی مطابقت‌های اصول اعلامیه حقوق بشر با شریعت اسلامی توسط مستشارالدوله هم نیست، چرا که بسیاری از مطابقت‌های او نادرست بود.

کتابنامه

- آجودانی، ماشاالله. مشروطه ایرانی. تهران: اختران، ۱۳۸۲.
- آدمیت، فریدون. فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران: سخن، ۱۳۴۰.
- _____ اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱.
- اعتمادالسلطنه. تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. ج ۳. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- _____ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- حاج سیاح، محمد علی محلاتی. خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش حمید سیاح. تصحیح سیف‌الدوله گلکار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.
- حائری، عبدالهادی. تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- رائین، اسماعیل. فراموشخانه و فراماسونری در ایران. ج ۱. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.

- روزنامه/ اختر، سال ۵، شماره ۱۴، ۴ شوال ۱۲۹۶.
- سعاوی، علی. «خطبه». روزنامه مخیر ۱۳ می ۱۸۶۸ / ۲۰ محرم ۱۲۸۵.
- _____ «الحاکم هو الله». روزنامه علوم. نمره ۱.
- _____ «قدرت سیاسیة در دولت اسلامیة». روزنامه علوم. نمره ۱۶.
- صنیع الدوله، محمدحسن خان. سفرنامه صنیع الدوله. به کوشش محمد گلبن. تهران: سحر، ۱۳۵۶.
- طباطبایی، سید جواد. تأملی درباره ایران. نظریه حکومت قانون در ایران. تبریز: ستوده، ۱۳۸۶.
- قاسم‌زاده. حقوق اساسی فرانسه از دوره قبل از انقلاب کبیر تا سال ۱۹۴۶. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه. سند شماره ۵۲-۴-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- _____ سند شماره ۴۴-۴-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- _____ سند شماره ۲-۲۷-۱۱-۲ و ۱۲۸۱ ق
- _____ سند شماره ۵-۴-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- _____ سند شماره ۸-۱۷-۱۲-۱۲۸۳ ق.
- _____ سند شماره ۱۲-۴-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- _____ سند شماره ۸-۳-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- _____ سند شماره ۴۴-۴-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- _____ سند شماره ۲-۴-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- _____ سند شماره ۲-۲۷-۱۱-۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ ق.
- _____ سند شماره ۲۰-۲۷-۱۱-۱۲۸۱ و ۱۲۸۲ ق.
- _____ سند شماره ۴-۱۷-۱۲-۱۲۸۳ ق.
- _____ سند شماره ۲۵-۱۳-۱۳-۱۲۸۶ ق.
- مستشارالدوله، میرزا یوسف خان. رساله در وجوب اصلاح خط اسلام. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۰۳ ق. چاپ سنگی.
- _____ رمز جدید یوسفی. تبریز: بی‌نا، ۱۲۹۲ ق. چاپ سنگی.
- _____ رمز یوسفی. تبریز: بی‌نا، ۱۲۸۲ ق. چاپ سنگی.
- _____ علم طبقات الارض. بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۰۰ ق. چاپ سنگی.
- _____ گنجینه دانش برای تعلیم اطفال نوآموز. بمبئی: بی‌نا، ۱۳۰۲ ق. چاپ سنگی.
- _____ یک کلمه. به کوشش صادق سجادی. تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۴.
- ملکزاده، مهدی. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. جلد ۱. تهران: علمی، ۱۳۶۳.

ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد. تاریخ بیداری ایرانیان. بخش اول. تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه، ۱۳۶۲.

نورائی، فرشته. تحقیق در افکار میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله. تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲.

النیشابوری، مسلم ابن الحجاج. صحیح مسلم. شرح النوری. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.

وطن‌دوست، غلامرضا. «اندیشه سیاسی میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله و مشروطه ایران». بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران بزرگداشت آیت‌الله محمدکاظم خراسانی. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴. ص ۳۵۹-۳۴۹.

وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۲ق. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: نوین، ۱۳۶۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی